

Investigating the Effect of Political Culture on Economic Development, a Case Study of Lorestan Province

Nasir Eliasi

PhD Student in Political Science, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Alireza Rezaei *

Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abbas Salehi Najafabadi

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract:

The present study aims to investigate the role of political culture in the economic development of Lorestan Province. The attempt of this study is aimed at finding the answer to the question of what effect political culture has had on the economic development of Lorestan Province? This study was inspired by Weber's approach and the views of some Iranian scholars such as Mahmoud Saree-ol-Qalam on the relationship between political culture and economic development. The research method in this study is a mixed method (quantitative - qualitative). The data collection tool is a researcher-made questionnaire with items taken from library studies and Delphi interviews with experts and theoretical foundations of the thesis. This research, which has a developmental-applied nature, has examined the relationship between the two variables of political culture as an independent variable and influential factor and economic development as a dependent variable. The results of this research show that the roots and obstacles to the province's economic development are not unrelated to the existing political culture indicators, and the hypothesis that guided the work is that political culture (limited-dependent) has had the greatest impact and key role in the process of economic underdevelopment of Lorestan province.

Keywords: *Political culture, economic development, Lorestan province, culture, development.*

* Email: ir.alirezarezaei@gmail.com (Corresponding Author)

بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی، مطالعه موردی استان لرستان

نصیر الیاسی^۱، علیرضا رضایی^{۲*}، عباس صالحی نجف آبادی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش فرهنگ سیاسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان لرستان انجام گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش از لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است، مهمترین ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخت است که با استفاده از نرم افزار Smart PLS داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. شیوه نمونه گیری بصورت هدفمند انجام شده و جامعه آماری این پژوهش را ۳۸۴ نفر از اساتید دانشگاه، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، صاحب نظران سیاسی، اقتصادی فرهنگی، اجتماعی، مدیران ارشد دستگاه های اجرایی استان و نمایندگان ادوار مجلس تشکیل می دهند. این پژوهش که ماهیتی توسعه ای- کاربردی دارد به بررسی رابطه دو متغیر فرهنگ سیاسی به مثابه متغیر مستقل و عامل تأثیرگذار و توسعه اقتصادی و اجتماعی بعنوان متغیر وابسته پرداخته است. کوشش این پژوهش معطوف به یافتن پاسخ به این پرسش است که فرهنگ سیاسی چه تأثیری بر توسعه اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است؟ یافته های پژوهش نشان می دهند که بین فرهنگ سیاسی (محدود-تبعی) و توسعه اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و فرهنگ سیاسی مزبور بیشترین تأثیر و نقش کلیدی در روند توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، استان لرستان.

مقدمه

امروزه توسعه اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین دغدغه های بنیادین مورد مطالعه و بررسی همه صاحب نظران و اندیشمندان و برنامه ریزان توسعه قرار گرفته است. شتاب روزافزون جوامع مختلف در حرکت به سمت توسعه یافتگی ضرورت پرداختن به این مسئله را بیش از پیش حائز اهمیت کرده است. در استان لرستان که همواره با مشکلات اقتصادی نظیر فقر، پایین بودن درآمد سرانه، بیکاری، بی عدالتی، توسعه نامتوازن و... مواجه بوده است بررسی توسعه اقتصادی و اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در این مسیر باید علل توسعه نیافتگی را شناسایی و برای رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی راه حل های مناسب را ارائه داد. بررسی ها نشان می دهد که توسعه اقتصادی و اجتماعی با شاخص و ارزش های فرهنگی بی ارتباط نیست؛ زیرا فرهنگ ت و سمت و سوی افکار، عقاید و نگرش ها را مشخص می کند بدیهی است برای ایجاد تحول در ساختار اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند تغییر در رفتار و اندیشه افراد جامعه از طریق تغییر و تحول در ساختار فرهنگی جامعه هستیم و به کمک ارزش های فرهنگی جامعه و آمادگی کامل زمینه توسعه اقتصادی فراهم خواهد شد (متوسلی، ۱۳۸۲: ۹۱). در دهه های گذشته توسعه صرفا با شاخص های اقتصادی سنجیده می شد اما با گذشت زمان توجه صرف به مسائل اقتصادی زمینه مشکلات زیادی را در کشورها فراهم نمود. پس از پژوهش های متعدد اکثر سیاستگذاران و برنامه ریزان به این باور

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) ir.alirezarezaei@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

رسیدن که توجه یک جانبه به بنیادهای اقتصادی به تنهایی نمی تواند توسعه پایدار را فراهم کند و باید بیش از پیش به ارزش های فرهنگی و اجتماعی توجه ویژه ای داشته باشند و اساسا بدون توجه به موضوع فرهنگ و عقاید، باورها و نگرش های ارزشی جامعه توسعه اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۴۵). فرهنگ سیاسی همواره به عنوان مبنایی کلیدی در رفتارشناسی سیاسی افراد و جوامع مطرح بوده و عمدتاً در بخش نهفته علم سیاست جای دارد و طی سال ها ماهیت نظام سیاسی را با ابزار روانی و با نتایج سیاسی به فرد منتقل می کند و نظام کنش - واکنش او را نسبت به پدیده های سیاسی شکل می دهد. با توجه به تحولات مهم اقتصادی قرن گذشته، جایگاه تعیین کننده ساختار اقتصادی و فرآیندهای تولید ثروت و علم را در شکل گیری فرهنگ سیاسی کثرت گرا و عقلانی می توان مشاهده کرد و به عنوان یک عامل سرنوشت ساز برای ملت ها و نظام های سیاسی، هیچ متغیری در دنیای جدید به اندازه فرهنگ سیاسی منبعث از قرارداد اجتماعی، تفاهم و عقلانیت توسعه خواه، بسترهای توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم نکرده است. تجربه سه قرن غرب و نیم قرن جنوب و شرق آسیا، مصادیقی روشن بر این پارادایم است (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۷۸). بحث ورود به فرهنگ و ارزش های مرتبط با آن در حوزه مفاهیم توسعه نقطه آغاز مربوط به فرهنگ سیاسی است. فرهنگ سیاسی یکی از شاخص های اساسی توسعه در جوامع در دوران جدید است به گونه ای که با ابعاد توسعه در ارتباط است و خود نیز تحت تأثیر ساختار سیاسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تاریخی جامعه شکل می گیرد از این رو می بایست نوع فرهنگ سیاسی هر جامعه و ویژه گی های آن مورد بررسی قرار گیرد. براین اساس می توان با شناخت فرهنگ سیاسی و ویژه گی های آن ماهیت بسیاری از تحولات و رفتارها، نگرش ها و رویکردهای کنشگران سیاسی در جامعه مورد نظر را شناخت (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان لرستان بدلیل خلاء ساختار فرهنگی - سیاسی متناسب با شرایط توسعه و فرهنگ عشیره ای و بافت سنتی و عدم توانایی تحول در ساخت اجتماعی هرگز تحقق نیافته است و بنابر آمار رسمی از مرکز آمار ایران و بعنوان نمونه از سال ۹۱ تا خرداد سال ۴۰۴ استان لرستان در صدر شاخص فلاکت در بین استانهای کشور قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۴۰۳: ۲۲). بنابراین ملازم با بازاندیشی های فرهنگی و ظهور فرهنگ سیاسی توسعه خواه، سیاستگذاران و کارگزاران نیز باید علاوه بر تأمین منابع و تمهیدات حاکمیتی بدنبال تحول در ساختار فرهنگی و سیاسی و ترویج فرهنگ توسعه خواهانه و شاخص ها و مولفه های فرهنگی مبتنی بر عقلانیت باشند بدون ایجاد بستر مناسب فرهنگی نمی توان به دنبال تحقق توسعه در ابعاد دیگر جامعه بود. فرهنگ حلقه مفقوده ی سیاستگذاری در مناطق توسعه نیافته است. زیرا با سرمایه گذاری بر روی فرهنگ و ارزش های فرهنگ سیاسی که متناسب با نیازهای جامعه باشد می توان شاهد تجمیع منافع جمعی در قالب فرهنگ جمعی افراد بود و هر فردی به عنوان یکی از عناصر فرهنگی می تواند به باروری فرهنگ و تولید ارزش و سرمایه مؤثر واقع شود (دیناروند، ۱۳۹۴: ۳). این پژوهش که ماهیتی توسعه ای - کاربردی دارد به بررسی رابطه دو متغیر فرهنگ سیاسی به مثابه متغیر مستقل و عامل تأثیرگذار و توسعه اقتصادی اجتماعی بعنوان متغیر وابسته پرداخته است. کوشش این پژوهش معطوف به یافتن پاسخ به این پرسش است که فرهنگ سیاسی چه تأثیری بر توسعه اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است؟ یافته های پژوهش نشان می دهند که بین فرهنگ سیاسی (محدود - تبعی) و توسعه اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و فرهنگ سیاسی مزبور بیشترین تأثیر و نقش کلیدی در روند توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

استان لرستان به رغم داشتن تمامی شاخص های توسعه از دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی عقب مانده است علت اصلی آن این است که تحقیقات و مطالعات عمیقی برای بررسی و آرایه تبیین علل توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی صورت نگرفته است و این امر نشان دهنده خلایق پژوهشی در این حوزه است. این خلایق نه تنها به عدم شناخت کافی از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی منجر شده، بلکه موجب شده است که سیاست گذاران و برنامه ریزان نتوانند تصمیمات مؤثری در راستای بهبود وضعیت اقتصادی استان اتخاذ کنند به همین دلیل بررسی توسعه اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در این مسیر باید علل توسعه نیافتگی را شناسایی و برای رسیدن به توسعه اقتصادی راه حل های مناسب را ارائه داد. بررسی ها نشان می دهد که توسعه اقتصادی با شاخص و ارزش های فرهنگی بی ارتباط نیست زیرا فرهنگ جهت و سمت و سوی افکار، عقاید و نگرش ها را مشخص می کند بدیهی است برای ایجاد تحول در ساختار اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند تغییر در رفتار و اندیشه افراد جامعه از طریق تغییر و تحول در ساختار فرهنگی جامعه هستیم و به کمک ارزش های فرهنگی جامعه و آمادگی کامل زمینه توسعه اقتصادی فراهم خواهد شد. ضرورت انجام این پژوهش مشخصاً توجه جدی به تأثیر فرهنگ سیاسی به عنوان اولویت اساسی و بستر ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی استان لرستان است که کمتر مورد امان نظر محققان و پژوهش گران توسعه نگر قرار گرفته است. در حال حاضر فوریت شناسایی و تحلیل شاخص ها و محرک های فرهنگ سیاسی می تواند به بهبود فرایند تصمیم گیری و ایجاد سیاست های مؤثر و پایدار بر توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک کند آنچه مطالعه و تحقیق را در مورد

توسعه اقتصادی و اجتماعی استان ضروری می‌سازد این است که توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون مولفه‌های موثر فرهنگ سیاسی و تغییر الگوهای رفتاری، باورها و طرز تلقی توسعه خواهانه منبعث از عقلانیت صورت نمی‌گیرد.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

تعریف مفاهیم

فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی به مفهوم ارتباط موثر حوزه فرهنگ و سیاست پدیده‌ای تاریخی است و همواره در آثار و کتب تاریخی یونان و روم مورد توجه جدی قرار داشته و ارتباط بین فرهنگ و سیاست محل بحث و تبادل نظر اندیشمندان زمان مزبور بوده است (سریع‌القلم، ۱۳۸۷: ۱۱). موضوع فرهنگ سیاسی به دهه ۱۹۳۰ مربوط می‌شود که با عنوان «خصیصه ملی» ملازمت داشته است. تحقیقات و مطالعات در آن دوره نشان می‌دهد که رویکردهای سیاسی مردم متأثر از رفتارها و کارکردهای روانی- فرهنگی اعضای جامعه بود است. تحقیقات و پژوهش‌ها با محوریت خصیصه ملی بعد از مدت زمان کوتاهی ارزش و اعتبار خود را ازدست داد و زمینه مناسبی برای ظهور نگاهی نو به فرهنگ سیاسی با عنوان فرهنگ مدنی را فراهم کرد. این دوران مربوط می‌شود به دهه ۱۹۵۰ که تا دهه ۱۹۷۰ ادامه پیدا کرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). فرهنگ سیاسی پس از ضعف‌ها و انتقادات مکرر به نگرش‌های سنتی و محلی نسبت به تحولات سیاسی و کارکردهای اجتماعی در کنار مسائلی مانند جامعه‌شناسی سیاسی به‌عنوان زیر مجموعه فرهنگ عمومی جامعه مطرح گردید و در دهه ۱۹۹۰ با عنوان رهیافتی مهم و موثر در عالم سیاست ارزش و اعتبار خاصی پیدا کرد.

مطالعات آلموند و وربا در مورد «فرهنگ سیاسی»

در دوران باستان بدلیل انتقادات فراوان اندیشمندان و فلاسفه بر کارکردهای خصیصه ملی و باتوجه به تغییر و تحولات سیاسی زمینه شکل گیری و ظهور عنوان فرهنگ سیاسی فراهم گردید و در سال ۱۹۵۶ و بطور مشخص و برای اولین بار کلید واژه فرهنگ سیاسی با کارویژه‌های مدرن در عالم سیاست و استفاده از مفاهیم مهمی مانند انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی توسط گابریل آلموند مطرح گردید (زارعی، ۱۳۸۸: ۹۲). به نظر گابریل آلموند فرهنگ سیاسی عبارتست از جهت‌گیریها، کنشها و رفتارهای مردم جامعه نسبت به نظام سیاسی است.

در دهه ۱۹۶۰ آلمون و وربا از طریق یافته‌های یک پژوهش مشترک در حوزه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگ مدنی در پنج کشور انگلستان، آلمان، ایتالیا، مکزیک و آمریکا به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم مسائل روانی، فرهنگی و تاریخی آن کشورهاست (قوام، ۱۳۷۴: ۸۳).

انواع فرهنگ سیاسی از نظر آلموند و وربا:

فرهنگ سیاسی محدود^۱

در فرهنگ سیاسی محدود مردم جامعه هیچگونه مشارکتی در مسائل سیاسی ندارند و بطور مشخص از روند اداره کشور و مسائل سیاسی مربوط به آن اطلاعات و آگاهی ندارند و به‌عنوان عضوی از جامعه نسبت به تغییر و تحولات درباره عملکرد دولت واکنشی از خود نشان نمی‌دهند و در تصمیم‌گیری‌ها نقشی ندارند.

فرهنگ سیاسی تبعی^۲

در فرهنگ سیاسی تبعی به رغم اینکه افراد جامعه از عملکرد نظام سیاسی اطلاع و آگاهی کامل دارند هیچگونه نقش آفرینی موثری در نظام تصمیم‌گیریها ندارند و صرفاً از وضع موجود پیروی و تبعیت می‌کنند و اساساً دخالتی در امور سیاسی کشور ندارند.

فرهنگ سیاسی مشارکتی^۳

در فرهنگی سیاسی مشارکتی که مربوط به جوامع توسعه یافته است مردم با حساسیت و دقت نظر خاصی مسائل و تغییر و تحولات کشور را رصد می‌کنند و همواره در همه مسائل مرتبط به نظام سیاسی مشارکت فعال و موثر دارند و به این باور رسیده‌اند که در عین مشارکت فعال

^۱ parochial

^۲ subject

^۳ Participant

باید در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کنند و خود را به عنوان جزئی از نظام سیاسی می‌دانند و نسبت به همه مسائل کشور اشراف و آگاهی کامل دارند.

فرهنگ سیاسی به‌عنوان تابعی از فرهنگ عمومی عبارتست از الگوی جهت‌گیریها، رفتارها و رویکردهای افراد جامعه نسبت به حوزه قدرت و نظام سیاسی (ازغندی، ۱۳۸۳: ۷۴) ساختار نظام سیاسی، شرایط تاریخی و جغرافیایی، اعتقادات، وضعیت اقتصادی و معیشتی، مسائل مربوط به آداب و سنن مهم‌ترین موارد و مسائلی هستند که فرهنگ سیاسی تحت تأثیر آنها شکل می‌گیرد و در جریان جامعه پذیری سیاسی بین نسل‌های انتقال پیدا می‌کند.

توسعه اقتصادی^۱

توسعه

بعد از جنگ جهانی دوم توسعه مسائل مهمی در حوزه‌های مختلف فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ساختار اجتماعی را دربر گرفته است و موضوع اساسی و بسیار مهمی است که همواره با واژه‌هایی همانند رشد اقتصادی، نوسازی، تغییر و تحول، تکامل همراه بوده است. مایکل تودارو معتقد است توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه از نظر ساختار فکری به یک بازاندیشی در حوزه توسعه رسیده باشد، فقر و بی‌عدالتی و نابرابری برطرف شده باشد و جامعه به یک رشد اقتصادی با ثبات رسیده باشد و بطور کلی وضعیت جامعه به حالت مطلوبی از نظر رفاه اجتماعی سوق پیدا کرده باشد. مردم جامعه احساس کنند که زندگی آنها از نظر مادی و معنوی دچار تغییرات اساسی شده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

پیتر دونالدسن تأکید دارد مردم از طریق آگاهی و مشارکت می‌توانند زمینه توسعه را فراهم کنند و تغییر رویکردها، باورها و نگرش‌ها در ساخت اجتماعی اهداف مورد نظر جامعه را در رسیدن به توسعه محقق خواهد ساخت (دینی، ۱۳۹۰: ۱۸). توسعه اقتصادی به فرآیند رشد و بهبود اقتصادی یک کشور یا منطقه اشاره دارد که هدف آن افزایش سطح رفاه و کیفیت زندگی مردم است. این فرآیند شامل تغییرات ساختاری در اقتصاد، بهبود بهره‌وری و ارتقاء شرایط زندگی است. این توسعه نه تنها به رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) اشاره دارد بلکه به کیفیت زندگی، بهبود خدمات اجتماعی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی نیز مرتبط است (متوسلی، ۱۳۸۲: ۱۲). در توسعه اقتصادی ملازم با بهبود وضعیت اقتصادی تغییرات اساسی در ساخت جامعه توسعه محور مورد توجه جدی است. دگرگونی جامعه همراه با تغییرات در نهادها و ارزش‌ها و عبور از رویکردهای سنتی و استفاده از ظرفیت‌های جدید و مدرن در امر تولید از الزامات اصلی توسعه اقتصادی است (نراقی، ۱۳۷۲: ۳۲). ارتقاء شاخص‌های اجتماعی، بهبود سطح زندگی، کاهش نرخ بیکاری، توزیع عادلانه امکانات، جلوگیری از فقر و نابرابری اجتماعی، شهرنشینی از جمله ابعاد مهم توسعه اقتصادی بشمار می‌روند. توسعه اقتصادی فقط به رشد اقتصادی و درآمد سرانه محدود نمی‌شود (Myrdal, 1975, p. 182). با توجه به اینکه توسعه اقتصادی جنبه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی را دربر می‌گیرد ارزش‌ها و باورهای فرهنگی توسعه خواهانه نقش بسیار کلیدی در امر توسعه اقتصادی خواهند داشت و بصورت عینی و مشخص توسعه اقتصادی نیازمند نگرش‌ها و رویکردهای مناسب با امر توسعه است و این موضوعی است که مورد توافق همه صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران توسعه اقتصادی است و اساساً بدون تکیه بر ارزش‌های فرهنگی هیچگونه توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد (عظیمی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

در توسعه اقتصادی تغییرات اساسی و بنیادی در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انجام می‌شود. در واقع توسعه اقتصادی دگرگونی همه جانبه در منابع مادی و انسانی جامعه و زمینه ساز رفاه عمومی، افزایش درآمد سرانه است و بطور مشخص بهره‌وری از ظرفیت‌های مادی و انسانی و توازن توسعه در حوزه‌های اقتصاد و مسائل اجتماعی را فراهم خواهد کرد. (سلیمی فر، ۱۳۸۲: ۶۸).

شاخص کلیدی توسعه اقتصادی

شاخص‌های توسعه اقتصادی به طور کلی معیاری برای ارزیابی پیشرفت یک کشور در زمینه‌های درآمد، تولید، توسعه اجتماعی و زیرساخت‌ها هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی، هیچ شاخص واحد و جهانی برای تمامی کشورها وجود ندارد، زیرا هر کشور با توجه به نیازها و اولویت‌های خاص خود، شاخص‌های متناسبی را انتخاب می‌کند. اما در میان این شاخص‌ها، چندین معیار پرکاربرد عبارتند از:

¹ Economic Development

شاخص در آمد سرانه

این معیار با تقسیم تولید ناخالص ملی بر تعداد کل جمعیت محاسبه می‌شود و نشان‌دهنده میزان تولید اقتصادی به ازای هر فرد است. این شاخص به ما می‌گوید هر فرد چقدر ثروت از طریق تولید اقتصادی به دست می‌آورد.

شاخص درآمد پایدار

این شاخص به بررسی میزان درآمد واقعی با در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از تخریب محیط زیست می‌پردازد. هدف آن تحلیل رابطه بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است.

شاخص قدرت برابری خرید

شاخص برابری قدرت خرید (PPP) یکی از ابزارهای کلیدی برای مقایسه توانایی خرید در کشورهای مختلف است. این شاخص با استفاده از نرخ تبادل ارز، تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف را به یک ارز واحد تبدیل می‌کند و تفاوت‌های سطح معیشت را از طریق معادل‌سازی هزینه‌ها و درآمدها نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، PPP قدرت خرید واقعی افراد را در کشورهای گوناگون اندازه‌گیری کرده و امکان تحلیل دقیق‌تری از استانداردهای زندگی و هزینه‌های زندگی در سطح جهانی را فراهم می‌کند.

شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی (HDI) معیاری است که برای ارزیابی و مقایسه سطح توسعه انسانی در کشورهای مختلف به کار می‌رود. این شاخص توسط برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) طراحی شده و به سه بعد اصلی توجه می‌کند: طول عمر (امید به زندگی)، آموزش (سطح سواد) و درآمد (درآمد سرانه بر اساس قدرت خرید). HDI با ترکیب این ابعاد، تصویری جامع از کیفیت زندگی و سطح رفاه عمومی ارائه می‌دهد و به بررسی توسعه انسانی فراتر از صرفاً جنبه‌های اقتصادی می‌پردازد.

شاخص مشارکت زنان در امور اجتماعی

این معیار بر اساس میزان مشارکت زنان در مشاغل و موقعیت‌های مدیریتی و اجتماعی محاسبه می‌شود و نشان‌دهنده نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است.

استان لرستان

استان لرستان با داشتن ظرفیت‌های بالقوه و بالا در بخش‌های معدنی، صنعتی، کشاورزی و گردشگری در عرصه ملی، از موقعیت سوق الجیشی خاصی برخوردار است. استقرار استان در میان هفت استان کشور و حداکثر فاصله ۲۰۰ کیلومتری قرار گرفتن استان در کریدور شمال جنوب براهمیت آن دوچندان افزوده است و می‌تواند در صورت فراهم شدن زمینه‌های رشد و توسعه بازار مصرف و تجارت فرآورده‌های آن را تضمین نماید. و این استان با قابلیت‌های بی نظیر در حوزه آب، خاک، گردشگری، صنعت و انرژی را شاید بتوان سرزمین قابلیت‌های مغفول مانده نامید. همجواری با عمده‌ترین کانون‌های جمعیتی و قطب‌های صنعتی کشور و وجود بازارهای مصرف برای فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی تن‌ها بخشی از قابلیت‌های لرستان در حوزه اقتصادی است. این در حالی است که امروزه صنعت گردشگری در تجارت جهانی رتبه نخست را به خود اختصاص داده و در حقیقت بزرگترین منبع ارزآوری در صادرات به شمار می‌رود به طوری که میلیون‌ها نفر در جهان را به خدمت گرفته است. موقعیت منحصر به فرد استان لرستان به لحاظ نقش شاخص ارتباطی از دیگر مزایای این استان زرخیز است. لرستان از شمال به استان‌های مرکزی و همدان، از جنوب به استان خوزستان، از خاور به استان اصفهان و از باختر به استان‌های کرمانشاه و ایلام محدود می‌شود. موقعیت ویژه استان در بین استان‌های مذکور، لرستان را به عنوان شاهراهی ویژه برای ارتباط شمال - جنوب و شرق - غرب تبدیل کرده است و همین فاکتور می‌تواند زمینه جذب بسیاری از مسافران عبوری از این استان را فراهم آورد. وجود جاذبه‌های طبیعی مانند آبشارها از جمله آبشار بیشه، آبشار نوژیان، آبشار آب سفید، آبشار وارک، آبشار تله زنگ، چشمه‌های آب معدنی نظیر چشمه گراب کوه‌دشت، چشمه گراب امامزاده حسن الیگودرز، چشمه گوگردی برآفتاب طلایه چم سنگر و چشمه سراب در دهقان کاکاشرف دریاچه‌های دیدنی مانند دریاچه گهر و دریاچه کیو، تالاب‌های زیبا مانند بیشه دالان بروجرد و تالاب‌های هفت‌گانه پلدختر این استان را به لحاظ طبیعت گردی در می‌ان دیگر استان‌های کشور شاخص کرده است. لرستان سرزمینی کوهستانی است و کوه‌ها نیمی از مساحت آن را پوشانیده‌اند. در این استان ۳۵ قله با ارتفاع بیش از سه هزار متر وجود دارد. این کوه‌ها در سراسر سال پوشیده از برف هستند و از منابع آبی مهم استان به

شمار می‌روند و دریاچه‌های زیبای این کوه‌ها در حوزه آبریز رودخانه دز قرار دارند. این در حالی است که لرستان یکی از استان‌هایی است که دارای دشت‌های هموار و سرسبز فراوانی برای طبیعت گردان است. از جمله دشت‌های استان لرستان می‌توان به دشت سیلاخور، دشت الیگودرز، دشت الشتر، دشت کوه‌دشت و دیگر دشت‌های پراکنده این استان اشاره کرد. همچنین پر آب ترین حوزه‌های آبریز ایران در خاک و پهنه جغرافیایی استان لرستان وجود دارد که این امر موجب ایجاد طبیعتی سرسبز و بهشت وار در این قطعه از سرزمین ایران شده است. در استان لرستان بیش از ۳۳ رودخانه دائمی جریان دارد که بر اساس حوضه آبریز به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند. رودهای حوضه دز و رودهای حوضه کرخه در مجموع ۹۶ درصد سطح استان را دربر می‌گیرند و رودهای حوضه مرکزی که سطح کوچکی از شرقی ترین قسمت استان را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که وجود این رودخانه‌های بزرگ و پر آب موجب ایجاد آبشارهای منحصر به فردی در مسیر جریان این رودخانه‌ها در دل صخره‌های این استان شده است. در حال حاضر بالغ بر ۵۰ آبشار بزرگ و کوچک در پهنه استان لرستان وجود دارد که بخش عمده‌ای از این آبشارها در مسیر رودخانه‌های این استان قرار گرفته‌اند. وجود رودخانه‌ها، تالاب‌های منحصر به فرد، دریاچه‌های وسیع، کوه‌های سربه فلک کشیده، دشت‌های فراخ و آبشارهای منحصر به فرد ویژگی‌های خاص پهنه لرستان است که با گذاشتن قطعه جنگل‌های انبوه و مراتع بکر پازل این بهشت زیبا تکمیل می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۴۰۳: ۳۶).

مبانی نظری ارتباط بین فرهنگ و توسعه اقتصادی

فرهنگ، همه دستاوردهای مادی و غیرمادی بشر است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. تمدن‌ها که در گذر تاریخ، جلوه ماندگاری به خود می‌گیرند، همان فرهنگ مادی بشر هستند. فرهنگ، پدیده‌ای پویا و جمعی است و تأثیرهای آن بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها نیز فراگیر است. پیوند بین اقتصاد و فرهنگ را با نگاهی به معنای علم اقتصاد می‌توان شناخت. علم اقتصاد، علم مطالعه، تحلیل و سیاست‌گذاری در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و همچنین منابع و سرمایه‌های مالی و مادی است رشد و توسعه اقتصادی از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بوده است؛ فرایندی که از رهگذر آن از منابع موجود و با صرف کمترین هزینه ممکن بهره‌وری مناسب انجام می‌شود. فرهنگ و اقتصاد با وجود تفاوت‌های ظاهری، در ماهیت، پیوند و همجواری بسیاری با یکدیگر دارند. تفاوت‌های ذهنی و عینی فرهنگ و اقتصاد نمی‌تواند ماهیت و ویژگی‌های هستی‌شناسانه آن‌ها را از یکدیگر دور سازد. فرهنگ و اقتصاد از آن رو که برآمده از تلاش، نوآوری و پویایی انسانی است، ماهیت دستاوردی و انسانی دارند. با این وجود، فرهنگ گونه‌ای از دربردارندگی نسبت به اقتصاد دارد. اگر فرهنگ را همه دستاوردهای انسان بدانیم، محصولات اقتصادی جزو بخش مادی این دستاوردها است و مفاهیم، نظریه‌ها، باورها، ایستارها و ارزش‌های اقتصادی جزو فرهنگ غیرمادی است. از دوران جامعه‌شناسان کلاسیک و همچنین اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک، توجه همزمان به اقتصاد و فرهنگ و تأکید بر هم پیوندی این دو نشانگر اهمیت و همجواری آن‌ها در زندگی انسان‌ها است. جامعه‌شناسانی چون دورکیم، وبر، مارکس، زیمل و ویلن آشکارا به اقتصاد و فرهنگ پرداخته‌اند؛ اگرچه نوع نگاه به پیوند این دو حوزه در بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان، گوناگون و گاهی رویاروی یکدیگر بوده است فرهنگ در یک سیر تاریخی در پی سازگار ساختن بشر با شرایط طبیعی و پیرامونی و یا توانا ساختن وی به تغییر محیط و طبیعت برای زندگی دلخواه وی بوده است. (میر فردی ۱۴۰۲)

هر بخشی از جامعه (اقتصاد، سیاست و نظام اجتماعی) از عناصر فرهنگی ویژه خود برخوردار است. بخش اقتصاد، به دلایل گوناگون نیازمند توجه به فرهنگ و نهادهای فرهنگی و بهره‌مندی از توانمندی‌های آن‌ها است. ارزش‌ها، ایستارها و بایسته‌های اقتصادی و اجتماعی در پرتو فرهنگ در جامعه بازنمایی می‌شوند و خود، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ زیستی یک جامعه هستند. حوزه اقتصاد و فعالیت‌ها و رفتارهای اقتصادی نیازمند سطحی از آگاهی و عقلانیت است. اقتصاد به گونه ماهوی نیازمند عقلانیت و حسابداری است. چنین ویژگی‌هایی وابسته به آگاهی و بینش فرهنگی درباره جامعه، تحولات اقتصادی و اجتماعی و کنش‌های اقتصادی دیگر بازیگران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. اگرچه در نگاه ساده، اقتصاد به‌سان بخش مادی زندگی انسانی نگریسته می‌شود، سازوکارها و مناسبات موجود در چرخه فعالیت‌های آن جزو عناصر فرهنگی و غیرمادی‌اند و نقش مهمی دارند. (همان)

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این پژوهش مبتنی بر رویکرد کلان وبر است که اعتقاد دارد سیاست‌گذاری اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند پیوست فرهنگی و توجه به زمینه‌های فرهنگی فعالیت‌ها، باورها و ایستارهای فرهنگی جامعه هدف و پیامدهای آشکار و پنهان فرهنگی برنامه‌های اقتصادی است و مدعی است توسعه اقتصادی قویا تحت تأثیر ارزش‌ها و کنش‌های فرهنگی و سیاسی جامعه شکل

می‌گیرد در مجموع، رشد و پیشرفت اقتصادی در سطح جامعه نیازمند رفتار عقلانی و حسابگرانه در سیاست‌های اقتصادی است. به‌کارگیری چنین ویژگی‌هایی نیازمند آگاهی به زمینه‌ها و الزامات اقتصاد پیشرو است. پویایی و توانمندی فرهنگی یک جامعه می‌تواند اندیشه و بینش مناسب برای یک اقتصاد توسعه‌یافته را فراهم سازد بنابراین افزایش دستاوردهای توسعه اقتصادی نیازمند همگرایی فرهنگی و داشتن تعهد و آرمان اجتماعی است. چنین تعهد و مسئولیت‌پذیری نیازمند بینش فرهنگی جامعه‌مدارانه، عام‌گرایانه و توسعه‌مدارانه است. (میر فردی، ۴۰۲)

نقش‌فرهنگ در توسعه اقتصادی از دیرباز در دیدگاه‌های اجتماعی و اقتصادی مورد توجه بوده است. برجسته‌ترین دیدگاهی که به این گفتار پرداخته است، دیدگاه ماکس وبر جامعه‌شناس شناخته شده آلمانی است که در اثر خود، اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری، نقش باورهای فرهنگی - دینی در دگرذیسی رفتارهای اقتصادی و دستیابی به پیشرفت اقتصادی در بین پروتستان‌ها را نشان داد. ماکس وبر (۱۸۶۲-۱۹۲۰) شاید یکی از نخستین کسانی بود که کوشید میان امور فرهنگی و توسعه ارتباطی برقرار کند. او در مشهورترین اثر خود «اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری»^۱ که در سال ۱۹۰۵ انتشار یافت به تأثیرات فرهنگی مختلف بر توسعه اقتصادی پرداخت به گمان وی ارزش‌های اخلاقی پروتستانی پایه و اساس توسعه اقتصادی را فراهم نمود. وبر معتقد است که فرهنگ در تحول جامعه جدید نقطه آغاز است و متغیرهای فرهنگی چون تلقی جدید از کار به علم و سرمایه داری بر ارزش‌های دینی تأثیر گذاشته و باعث اصلاح دینی شده و این زمینه ساز سرمایه داری گردیده است. وی رابطه بین ارزش‌ها و توسعه را تبیین کرده و از تأثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی در شروع و تداوم توسعه سخن گفته است. ماکس وبر، جوامع غربی را با گرایش به نوگرایی، عقلانیت و قانون‌گرایی وصف می‌کند؛ اما جوامع شرقی را به خاطر تکیه‌ی آنها به سنت، بدون توانایی‌های لازم برای ایجاد تغییرات بنیادی می‌داند. همان‌طور که بیان شد، مکتب نوسازی بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های وبر قرار دارد. در تبیین عوامل داخلی مؤثر بر توسعه اقتصادی و بنا بر تحلیل‌های نظریه‌ی نوسازی، منشأ و عامل اصلی توسعه و توسعه نیافتگی را باید در درون جامعه جستجو کرد و بنابراین برای ورود در وادی توسعه، لازم است در ساختارهای داخلی جامعه به ایجاد تغییراتی مبادرت ورزید و بسترهای پذیرش شیوه‌های نوین تفکر و عمل را مهیا نمود. لذا عناصر اساسی که صاحب‌نظران مکتب نوسازی برای نیل به هدف توسعه ذکر نمودند عمدتاً از نوع فرهنگی می‌باشد که از جمله‌ی آنها می‌توان به خردورزی، اعتقاد به توسعه، نگرش علمی و عقلانی، انسجام اجتماعی، مشارکت و... اشاره نمود. بنابراین، عامل فرهنگی یکی از عوامل کلیدی‌ای است که از سوی صاحب‌نظران توسعه مطرح گردیده است. نوسازی یا نوین‌سازی یا مدرنیزاسیون به معنای نو شدن و کنار گذاشتن مظاهر سنتی و قدیمی، آن چنان که مناسب توسعه باشد، است. در واقع نوسازی به این امر اشاره دارد که فرهنگ سنتی جوامع غیر پیشرفته، راه را برای توسعه‌ی آنان بسته است و بنابراین، این فرهنگ سنتی باید کنار گذاشته شده و فرهنگ نوینی جایگزین آن گردد. در جامعه‌شناسی، در تعریف نوسازی، بر ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش‌ها و دگرگونی در کنش‌ها و غالب شدن کنش‌های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه تأکید می‌شود (از کیا، غفاری، ۱۳۸۴: ۱۶۸). موفقیت اقتصادی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا از یکسو و شکست کشورهای جنوب صحرا در آفریقا در دست یابی به توسعه اقتصادی منجر به ظهور گرایش‌های جدیدی با لحاظ نسبی‌گرایی در انتخاب عوامل تأثیرگذار بر حسب زمان و مکان شده است. این گرایش‌ها ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را از جمله عوامل اصلی برای توسعه اقتصادی بر می‌شمارند. (اورناتوسکی،^۲ ۱۹۹۶) به بررسی رابطه بین ارزش‌های کنفوسیوسی و توسعه اقتصادی ژاپن مدرن پرداخته و توضیح می‌دهد که چگونه ارزش‌های کنفوسیوسی پیش و پس از جنگ جهانی دوم در صنایع و ادارات دولتی به سوی شکل دهی ایدئولوژی ژاپن مدرن با اقتصاد سرمایه دارانه توسعه یافته منجر شده است. وی معتقد است که ارزش‌های نظیر توجه به آموزش، پشت کار، قانون‌پذیری، صرفه جویی، اولویت دادن به اهداف جمعی، توازن اجتماعی، وفاداری و خانواده‌گرایی که برخاسته از آئین کنفوسیوس است، بر توسعه اقتصادی کشورهای جنوب و شرق آسیا تأثیرگذار بوده‌اند. محمود سریع‌القلم (۱۳۹۵) در کتاب <عقلانیت و توسعه نیافتگی ایران> به اهمیت بعد فرهنگی توسعه پرداخت است و اعتقاد دارد بدون آماده سازی بعد فرهنگی و تحول در شخصیت افراد هیچگونه توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد و تأکید دارد حتماً با تمرکز بر ارتقاء سطح کیفی آگاهی‌های عمومی مردم و تحول تربیتی و کاربردی شدن نظام آموزش ما می‌توانیم با سرمایه‌های اجتماعی و انسانی علمی، مسئولیت‌پذیر، کاری و قاعده‌مند با رویکردی عقلانی و با انسجام درونی، تفاهم و قرارداد اجتماعی معطوف به توسعه زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کنیم. ما نیازمند تئوری صراحت فرهنگی هستیم که نتیجه شناخت و آگاهی جامعه و اجماع استنباط‌های مشترک است در خصوص بحث صراحت فرهنگی باید اضافه کرد که چارچوب روشن فرهنگی به شکل اجتماعی می‌انجامد. در واقع ارتباط نهایی میان استنباطات مشترک به توسعه‌یافتگی در این اصل نهفته است. فرهنگی که از حداقل تناقض میان عناصر داخلی خود برخوردار است به یک شکل اجتماعی با ثبات منتهی می‌شود و سپس یک نظام اقتصادی و سیاسی مبتنی بر یک فرهنگ روشن پدیدار می‌گردد (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۱۲). برای اینکه ارتباط بین فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی بشناسیم، باید اول

^۱ L Ethique protestante et L esprit du Capitalism^۲ Ornatowski

رابطه‌ی بین فرهنگ و اقتصاد را بشناسیم. فرهنگ و اقتصاد دارای خاستگاهی یگانه‌اند. خاستگاه هر دو، جامعه است و لذا ارتباط این دو را باید در خاستگاه آنها جستجو کرد؛ به عبارتی دیگر. رفتارهای انسانی نتیجه‌ی فرهنگ آنها می‌باشد. انتخاب انسان‌ها و در پی آن فعالیت‌های اقتصادی شدیداً تحت تأثیر عوامل فرهنگی شکل می‌گیرند. در واقع فرهنگ، عناصر اساسی را در طرز تفکر و شیوه‌ی رفتار افراد به وجود می‌آورد که بنیان توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی بر آن استوار است. فرهنگ پیش نیاز توسعه است، بنابراین تحول فرهنگی چیزی جز حذف، ایجاد یا اصلاح یک عنصر یا مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی نیست. پیتروالدسن اعتقاد دارد توسعه مبتنی بر بوجورد آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق هدف مورد نظر جامعه است و تأکید دارد تا همه مردم با آگاهی از تغییرات در امر توسعه مشارکت نداشته باشند ادامه توسعه ممکن نخواهد بود (دینی، ۱۳۹۰: ۲۲). بدون تردید پیش‌نیاز اصلی توسعه اقتصادی ایجاد تغییر و تحول در بنیادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه است. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد توسعه در جایی رخ می‌دهد که نهادهای اجتماعی آن ظرفیت توسعه پذیری را داشته باشند و رسیدن به توسعه اقتصادی در گرو انجام تغییرات بنیادی در طرز تلقی‌ها، باورها و پندارهای فرهنگی سیاسی است و به همین دلیل رقابت‌های اقتصادی (چند دهه اخیر تاکنون) صحنه نبرد و رقابت فرهنگهای مختلف بوده است. در دهه‌های گذشته توسعه فقط در حوزه اقتصاد به‌عنوان معیار و ملاک توسعه‌یافتگی تلقی می‌شد اما در دهه‌های اخیر توسعه فقط در شاخص‌های اقتصادی خلاصه نمی‌شود و اساساً توسعه در حوزه اقتصاد نمی‌تواند به‌عنوان مبنای توسعه پایدار قرار گیرد بلکه موضوع فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی کانون توجه و زیرساخت اصلی توسعه بشمار می‌رود (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). پیشینه مفهومی و نظری از یک سو و واقعیات آشکار اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر نشان می‌دهد که اقتصاد و فرهنگ از یکدیگر جدا نیستند و بدون زمینه فرهنگی، رشد و توسعه اقتصادی دست‌یافتنی نیست. فرهنگ و اقتصاد از آن رو که برآمده از تلاش، نوآوری و پویایی انسانی است، ماهیت دستاوردی و انسانی دارند. با این وجود، فرهنگ گونه‌ای از دربردارندگی نسبت به اقتصاد دارد. اگر فرهنگ را همه دستاوردهای انسان بدانیم، محصولات اقتصادی جزو بخش مادی این دستاوردها است و مفاهیم، نظریه‌ها، باورها، ایستارها و ارزش‌های اقتصادی جزو فرهنگ غیرمادی است. بخش اقتصاد، به دلایل گوناگون نیازمند توجه به فرهنگ و نهادهای فرهنگی و بهره‌مندی از توانمندی‌های آنها است. ارزش‌ها، ایستارها و بایسته‌های اقتصادی و اجتماعی در پرتو فرهنگ در جامعه بازنمایی می‌شوند و خود، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ زیستی یک جامعه هستند. حوزه اقتصاد و فعالیت‌ها و رفتارهای اقتصادی نیازمند سطحی از آگاهی و عقلانیت است. اقتصاد به گونه ماهوی نیازمند عقلانیت و حسابگری است. چنین ویژگی‌هایی وابسته به آگاهی و بینش فرهنگی درباره جامعه، تحولات اقتصادی و اجتماعی و کنش‌های اقتصادی دیگر بازیگران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. اگرچه در نگاه ساده، اقتصاد به‌سان بخش مادی زندگی انسانی نگریسته می‌شود، سازوکارها و مناسبات موجود در چرخه فعالیت‌های آن جزو عناصر فرهنگی و غیرمادی‌اند و نقش مهمی دارنداز مجموع نظریاتی که به آنها اشاره شد می‌توان چنین نتیجه گرفت. که اول، بین ارزش‌های فرهنگی و توسعه اقتصادی ارتباطی دوسویه وجود دارد که هر کدام به ترتیب به نقش علی و تبعی ارزش‌های فرهنگ در فرایند توسعه اشاره داشته‌اند. دوم، فرهنگ سیاسی، پیوستاری علی است که از ارزش‌ها شروع شده و سپس خود را به نگرش‌ها و نهایتاً به رفتار سیاسی افراد تحمیل می‌کند، به این معنا که رویکرد و رفتار سیاسی و کنشگری افراد تابعی از نگرش‌ها و ارزش‌های آنهاست. سوم فرهنگ سیاسی یکپارچه نیست و مبتنی بر شرایط اجتماعی، سیای و جغرافیای سیاسی و به رغم پایداری نسبی تغییرپذیر است. پویایی مداوم، یکی از مهم‌ترین لوازم فرهنگ سیاسی است و فرهنگ شکل گرفته نمی‌تواند همیشه ثابت و پایدار بماند هر جامعه‌ای باید حائز عناصری فرهنگی باشد که هر لحظه امکان بازاندیشی را برای کنشگران فراهم کند. تغییر و تحولات فرهنگی با مضمون بازاندیش فرایندی مداوم و همیشگی است که هیچگاه متوقف نخواهد شد.

پیشینه پژوهش

سعید اشیری (۱۳۹۰). در مقاله‌ای تحت عنوان: اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی لرستان: با واکاوی علل توسعه نیافتگی لرستان اعتقاد دارد به استناد طیف وسیعی از دلایل و استنادات، عملکرد دولت نقشی حداکثری را در توسعه نیافتگی لرستان داشته است. درحالی که با بررسی نقش مفهومی و تاریخی دولت و به استناد شواهد تجربی ناشی از عملکرد و اتخاذ سیاست‌ها و خط مشی‌های دولت و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و اثر آن بر توسعه فرهنگی اقتصادی دولت‌ها در سطح جهان، می‌توان چنین اظهار نمود که توسعه اقتصادی و اجتماعی با دوام، بدون وجود دولت مؤثر و کارا، محال است. امروزه به نحو فزاینده‌ای پذیرفته شده است که برای تحقق هدف توسعه اقتصادی و اجتماعی، وجود دولت مؤثر و کارا اهمیتی اساسی دارد.

مصطفی حسونند (۱۳۹۲). در مقاله‌ای تحت عنوان: آسیب شناسی توسعه نیافتگی اقتصادی لرستان با اشاره به اینکه یکی از مبنای اصلی در مباحث توسعه و پیشرفت هر پروژه‌ای در ابعاد کوچک و بزرگ و سرفصل ورود به مسیرآبادانی درسطوح مختلف، تحت تأثیر مؤلفه‌ای اساسی

وارزشمندیه نام «مدیریت» است که در پیوند با سایر بسترهای لازم، زمینه را برای پیشبرد اهداف مورد نظر فراهم می‌سازد. اعتقاد دارد همواره بررسی تاریخچه سیستم مدیریتی حاکم بر این استان از گذشته تاکنون به روشنی، فقدان این عنصر اساسی و ارزشمند و حضور کم‌رنگ آنرا در مسیر توسعه و پیشرفت لرستان مشخص می‌نماید.

میرنظام میر باقری (۱۳۹۵)، و میثم سلحورزی در پژوهش با عنوان موانع سرمایه‌گذاری در استان لرستان به بررسی موانع جذب سرمایه‌گذاری در حوزه شهری در استان لرستان پرداختند نتایج این پژوهش می‌دهد که وضعیت توسعه زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری، وضعیت ریسک (عدم امنیت) سرمایه‌گذاری، نگرش سازمان‌ها و موسسات دولتی نسبت به سرمایه‌گذاری و وضعیت قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری بر جذب سرمایه‌گذاری در استان لرستان، تأثیر زیادی دارند. در این پژوهش هیچ اشاره‌ای به موانع و متغیرهای فرهنگی در مسیر سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی نشده است.

فیروز اسماعیلی (۱۳۹۲). در مقاله‌ای تحت عنوان: بازی اصحاب رسانه با لرستان توسعه نیافته: اعتقاد دارد هر جامعه‌ای که از قطار توسعه عقب مانده است باید سراغ رسانه‌ها را گرفت؛ یعنی اینکه از علل مهم عدم توسعه نیافتگی هر ملتی بی‌توجهی اصحاب رسانه آن منطقه به شمار می‌رود، و از آنجائی که رسانه‌ها توان ایراد نقدهای سازنده و به چالش کشاندن مدیران بی‌برنامه را دارند این حق را دارند که از مردم به عنوان ولی نعمتان مسئولان، به صراحت در چهارچوب قانون دفاع کنند. در ایران، تلویزیون و رادیو به عنوان دو رسانه اصلی ودولتی، نقش مهمی را در توسعه کشور ایفا می‌نمایند. اگر بپذیریم که "هدف و وسیله توسعه انسان است" و نیازمند تغییرات و تحولات اساسی است، رسانه‌ها نقش اساسی را در توسعه کشور بازی می‌نمایند. رسانه‌ها که بستر ساز توسعه کشورند و "توسعه که بستر ساز همه است" بایستی در قالب نقش‌های متفاوت اهداف کلان توسعه‌های کشور را محقق سازند. رسانه‌های جمعی در کشور ما بخصوص رادیو و تلویزیون به علت دولتی بودن و انحصار دولتی، می‌توانند نقش اساسی را در توسعه و نیل به آن بازی نمایند. امروزه لرستان از نظر انعکاس محرومیت و توسعه نیافتگی حتی در عرصه رسانه نیز بیش از هر زمان دیگری دچار آسیب شده است و هیچ یک از رسانه‌های استانی و ملی بطور شفاف و روشن وضعیت نامناسب و محرومیت لرستان را با بیش از ۳۰ سال رتبه اول بیکاری در کشور منعکس نکرده‌اند و به صورت اصولی و هدفدار ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کم نظیر استان نیز به خوبی معرفی نگردیده‌اند. انعکاس مسائل و مشکلات بستر جامعه و تهیه گزارش و خبر از متن مردم و معرفی زیرساخت‌ها و توانمندی‌های استان از طریق رسانه‌های سراسری و خبرگزاری‌ها برای جذب سرمایه گذاران و ایجاد اشتغال و رفع محرومیت در استان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

مهدی صفری احمدوند (۱۴۰۱). در مقاله خود با عنوان بررسی عوامل موثر در توسعه نیافتگی استان لرستان تاکید دارد که توسعه اقتصادی با یک برنامه‌ریزی بلند مدت و فعال نمودن عوامل متعدد به عنوان پیشران‌های توسعه صورت می‌پذیرد و در این مسیر می‌بایست تامین منابع ملی و استانی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، داشتن انگیزه لازم، مشارکت عمومی مردم، استفاده از ظرفیت‌های نخبگان و تغییر در نگرش‌ها و باورها به امر توسعه به عنوان مهم‌ترین عوامل در دستور کار قرار گیرند. سید حسین سیف زاده (۱۳۶۸). در پژوهشی با عنوان نوسازی و دگرگونی سیاسی در مسیر نیل به توسعه به موانع فرهنگی جامعه اشاره نموده و دینوع نگرش و ایستار را از هم متمایز نموده. نگرش احساسی که مبتنی بر ملاکهای گذرا و امیال و عواطف شخصی و بر اساس نفع طلبی نسبت به نظام و یا سیاست‌ها و کارکردهای آن می‌باشد. فرهنگ سیاسی مبتنی بر نگرش احساسی، فرهنگی ناستوار و بی ثبات است. نگرش نوع دوم نگرش ادراکی است که حاکی از شناخت، بینش و نگاه علمی و آگاهانه فرد نسبت به مسائل سیاسی است و نوعی نگرش منطقی، عقلانی و حسابگرانه است. و به دو صورت نگرش ادراکی معطوف به هدف و نگرش ادراکی معطوف به ارزش دیده می‌شود.

محمد توحید فام (۱۳۷۹). در مقاله‌ای با عنوان موانع فرهنگی توسعه در ایران: بر اساس رهیافت‌های متفاوت توسعه معتقد است که توسعه زمانی اتفاق خواهد افتاد که نخبگان جامعه بر سر مسائل توسعه به توافق رسیده باشند و یقیناً در صورت استفاده از ظرفیت‌های درونی جامعه و با انسجام درونی توسعه اقتصادی محقق خواهد شد. ارزش‌های فرهنگی باید در ساختار اجتماعی نمایان شود و وقتی در سایه ارزش‌های فرهنگی توسعه خواهانه انسجام داخلی بوجود آید بدون تردید فرصت توسعه اقتصادی فراهم خواهد شد.

زهره خیری دوست (۱۴۰۰). و همکاران در پژوهشی با عنوان ارتباط میان تغییرات فرهنگی و توسعه اقتصادی برای ایجاد مدلی از تثبیت و تغییر فرهنگی در یک اقتصاد در حال توسعه سه موضوع مورد بحث قرار داده اند: اول از همه سرعت و جهت گیری تغییرات فرهنگی، سپس فرایند اجتماعی شدن و انتقال فرهنگی و در نهایت رابطه فرهنگ و نهادهای رسمی و در نهایت اعتقاد دارند که این سه مورد در کنار هم یک مدل مفهومی از ثبات و تغییرات فرهنگی جهت تحقق توسعه اقتصادی را نشان می‌دهند.

امیر مسعود شهرام نیا و فرحناز مظفری (۱۳۹۲). در مقاله‌ای با عنوان صورت بندی موانع فرهنگی توسعه به نظریه‌های توسعه پرداخته و اشاره نموده که هریک از نظریه‌ها عنوان و عنصر کلیدی را برای تحقق توسعه مطرح نموده اند. دسته اول نظریه‌های هستند که به نقش اقتصاد توجه جدی دارند و اعتقاد دارند که توسعه یافتگی فقط در رشد اقتصادی و درآمد سرانه خلاصه می‌شود. دسته دوم نظریه‌های هستند

که عامل اجتماع را در توسعه موثر می‌دانند و اعتقاد دارند توسعه اجتماعی را می‌توان افزایش ظرفیت و توانایی مردم به منظور تامین رفاه خود و جامعه، و تحول نهادهای اجتماعی و برقراری عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی تعریف کرد و بطور کلی می‌توان گفت توسعه اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که نهادهای مناسب و و آگاهی بخش در جامعه فعال شوند. دسته سوم نظریه‌های هستند که به نقش و عامل فرهنگ توجه دارند و اعتقاد دارند که توسعه فرهنگی منجر به خود باوری جامعه می‌شود و ثبات و دوام و قوام هویت و توسعه پایدار جامعه را فراهم می‌کند. اکثر علمای توسعه معتقدند تا زمانیکه فرهنگ یک جامعه موافق با توسعه نباشد هیچ پیشرفت و توسعه‌ای در آن جامعه میسر نخواهد شد.

عباس دادرس (۱۳۹۴). در پژوهشی با عنوان نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی به این باور رسیده است که مبنای هرتوسعه‌ای توسعه ارزش‌های فرهنگی است و اعتقاد دارد که دولتها باید در جهت رسیدن به توسعه نگرش خود را نسبت به انسان به عنوان یک موجود فرهنگی تغییر دهند و همه تلاش و ظرفیت‌های خود را در جهت ارتقاء سطح فرهنگ جامعه بکار گیرند ..

محمد حسین پناهی (۱۳۹۳). در پژوهشی با عنوان توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی و اجتماعی اعتقاد دارد در اواخر قرن بیستم یک چرخش فرهنگی با این عنوان صورت گرفته که شاخص‌های اقتصادی به تنهایی نمی‌توانند بستر ساز توسعه باشند و مشخصه اصلی آن توجه بیش از پیش به مسائل فرهنگی و نقش موثر آن در توسعه اقتصادی است این رویکرد ارزش و اعتبار مولفه‌های فرهنگی در توسعه را به‌عنوان موضوعی کلیدی مطرح نموده است و باور دارد که بدون استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی هیچگونه توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد.

توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی و اجتماعی

واژه فرهنگ از مفاهیمی است که از دیدگاه‌های مختلف توصیفی، هنجاری، روان شناسانه، ساختاری و تکوینی تعریف شده است ولی به بیان ساده می‌توان فرهنگ را به این صورت تعریف نمود: مجموعه‌ای از رفتارهای آموختنی که شامل باورها و عادات و سنن مشترک میان گروهی از افراد است که متکی بر قاعده و ارزش‌هاست و به عنوان میراث اجتماعی انتقال می‌یابد. ازطرفی توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی است. براساس این تعریف، طبعاً توسعه از مقوله امور فرهنگی به شمار می‌آید و توسعه فرهنگی شرط اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی (و بلکه شاه کلید آن) محسوب می‌شود بی توجهی و کم توجهی به آن تمام برنامه‌های توسعه را با ناکامی مواجه خواهد ساخت. و اساساً فرهنگ حلقه مفقوده‌ی سیاستگذاری در مناطق توسعه نیافته است (احمدی، ۱۳۹۳: ۳). با سرمایه‌گذاری بر روی فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی که متناسب با نیازهای جامعه باشد می‌توان شاهد تجمع منافع جمعی در قالب فرهنگ جمعی افراد بود و هر فردی به عنوان یکی از عناصر فرهنگی می‌تواند به باروری فرهنگ و تولید ارزش و سرمایه مؤثر واقع شود. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که توسعه در جایی رخ می‌دهد که نهادهای اجتماعی آن ظرفیت توسعه پذیری داشته باشند. بنابراین برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی و در انتخاب استراتژی باید تلاش‌ها بیشتر از همه در رفع مسایل فرهنگی متمرکز شده و به اولویت‌های مهم و مؤثر فرهنگ سیاسی توجه کرد و این امر با توسعه تفکر علمی، تحول فکری و درک منطق اقتصادی امکان پذیر است (رضایی، ۱۴۰۰: ۳).

امروزه نقش تأثیر گذار فرهنگ در توسعه اقتصادی و اجتماعی بعنوان یک اولویت مهم کانون توجه همه صاحب نظران، اندیشمندان و سیاست گذاران قرار گرفته است. زمانی که برنامه‌ای برای توسعه اقتصادی و اجتماعی طراحی می‌شود، باید به باورها، ارزش‌ها، هنجارها و همه نمادها و معنایی که فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مورد نظر با آن‌ها در ارتباط است توجه شود و مشخص شود که این نوع فعالیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه چه هدف معنایی دارند، چه میزان هماهنگی با باورها و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم دارند، چه آسیب‌های احتمالی ممکن است به فرهنگ موجود محل و منطقه یا کشور وارد کنند، و یا چگونه می‌توان از باورها و ارزش‌ها و هنجارهای موجود جامعه برای زمینه سازی چنین توسعه‌ای بهره گرفت. با این رویکرد، باید پذیرفت که دیگر هیچ فعالیت اقتصادی و اجتماعی عاری از بار فرهنگی نیست، و نسبت به فرهنگ خودی بی‌تفاوت و خنثی نمی‌باشد. به گفته پیسی ایدئولوژی، سازمان فن و ابزار همه جنبه‌های گوناگون فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهند، و تکنولوژی جنبه فرهنگی مهم و آثار فرهنگی مهمی دارد، که تاکنون ما از آن غفلت کرده‌ایم (پیسی، ۱۳۷۴: ۱۱۲). پیسی در مطالعات خود نشان می‌دهد که چگونه زمینه فرهنگی موجود در جایی سبب می‌شود که یک تکنولوژی، مانند تلمبه آب، در شرایطی به طور موفق و موثر مورد استفاده قرار می‌گیرد، و در شرایط دیگری بلااستفاده باقی می‌ماند و یا به محیط زیست و فرهنگ جامعه آسیب وارد می‌کند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که امروزه نقش فرهنگ در همه ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی به حدی بارز است که باید توسعه اقتصادی و اجتماعی را بر پایه فرهنگی دانست. وقتی نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی روشن شود، در توسعه اجتماعی روشن تر خواهد شد. توسعه اجتماعی به عنوان توسعه‌ای مردم محور و مشارکت محور تلقی می‌شود که باید مبتنی بر ویژگی‌های فرهنگ محلی باشد. توسعه اجتماعی با چگونگی و شیوه زندگی افراد جامعه پیوند تنگاتنگی دارد و ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش

می‌باشد. توسعه اجتماعی شامل بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه، و در بعدی وسیع تر شامل تقویت جامعه مدنی، دموکراسی اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی می‌باشد (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۴: ۸۷). توسعه اجتماعی دو بعد مرتبط با هم دارد: یکی توسعه انسانی یا توسعه ظرفیت مردم برای کار مداوم جهت رفاه آنها و جامعه؛ و دوم، تغییر یا توسعه ظرفیت نهادهای اجتماعی به گونه‌ای که نیازهای بشری را در تمام سطوح، به ویژه ثر طبقات پایین جامعه، از طریق فرایند بهبود روابط بین مردم و نهادهای سیاسی - اجتماعی رفع نمایند. از طرفی توسعه اجتماعی به کیفیت زندگی انسان‌ها مربوط است، و در این رابطه دو هدف بنیادی دارد: هدف اول، توزیع مجدد امکانات و منابع است، برای تامین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها مانند ثروت، درآمد، خدمات اجتماعی و سایر امکانات جامعه برای بالا بردن سطح زندگی اکثریت افراد جامعه. هدف دوم، بیشتر جنبه فرهنگی دارد و شامل به رسمیت شناختن گروهها و افراد متنوع جامعه و برابری حقوق اجتماعی آن هاست، به طوری که بتوانند، مشارکت آزاد در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی جامعه داشته و خلاقیت‌های خود را به منصف ظهور برسانند (عنبری، ۱۳۹۰: ۶۵). در نتیجه می‌توان گفت که توسعه اجتماعی در پی افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها و خدمات اجتماعی است. تحقق چنین توسعه‌ای در گرو توانمند سازی و بسط حضور و مشارکت زنان و مردان در عرصه عمومی و میدان دادن به عاملیت‌های فردی و گروهی در جامعه است. با توجه به مباحث مطرح شده در باب توسعه اجتماعی، مشخص می‌شود که توسعه اجتماعی نیز جنبه فرهنگی غلیظی دارد، و باید متکی بر ارزش‌های اجتماعی مورد قبول جامعه باشد. اگر به سه بعد افزایش ظرفیت‌های انسانی، نهادهای اجتماعی و توزیع عادلانه منابع و امکانات اجتماعی متمرکز شویم دیده می‌شود که افزایش ظرفیت‌های انسانی کاملاً ماهیتی فرهنگی دارد، زیرا این کار با افزایش دانش، آگاهی، تعهد و مسئولیت پذیری و سایر ارزش‌های اجتماعی امکان پذیر است که همه ماهیت فرهنگی دارند. به جرات می‌توان گفت بدون توسعه فرهنگ امکان افزایش ظرفیت‌های انسانی وجود ندارد. افزایش نهادهای اجتماعی نیز ماهیت فرهنگی دارد. اساساً نهادهای اجتماعی خود جزء فرهنگ جامعه به حساب می‌آیند، و در قلمرو فرهنگی قرار می‌گیرند، به طوری که افزایش ظرفیت‌های نهادهای اجتماعی هم مستقیماً و غیر مستقیم نتیجه توسعه فرهنگی است و هم خود توسعه فرهنگی است. توزیع عادلانه منابع و امکانات اجتماعی بعد فرهنگی دارد، و مستلزم پذیرش اجتماعی ارزش‌های فرهنگی مانند: عدالت اجتماعی، رفاه جمعی، مسئولیت جمعی، برادری و اخوت انسانی، قانونمندی، و سایر ارزش‌های اجتماعی هم از جانب نخبگان و هم مردم عادی است. بنابر این توسعه اجتماعی ماهیتی فرهنگی داشته و مستلزم توسعه فرهنگی است. به طور کلی، برای رسیدن به توسعه اقتصادی بازاندیش فرهنگی و اصلاح ساختارهای سنتی ضرورتی انکارناپذیر است. توسعه اقتصادی و اجتماعی نیازمند شاخص‌ها و مولفه‌های سازگار با امر توسعه است و باید با اندیشه‌های نو ظرفیت‌های جدید و رویکردهای متناسب با توسعه فراهم شود. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که بین توسعه اقتصادی اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی ارتباط معناداری وجود دارد و جمع بندی نهایی این است که ارزش‌های فرهنگی و بطور مشخص شاخص‌های فرهنگ سیاسی شاه کلید اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌روند (زرین‌قلم، ۱۳۹۲: ۴۵).

ارتباط فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی استان لرستان

فرهنگ سیاسی و رابطه آن با توسعه اقتصادی از جمله مسائل دو دهه اخیر در مباحث توسعه است. قبل از تشریح رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی حاکم در لرستان باید به فرهنگ سیاسی منبعث از موقعیت تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و برخی از وجوه فرهنگ عمومی این استان که ریشه در تاریخ دارد و موجب تداوم آن در شرایط کنونی نیز شده است پرداخت. استان لرستان در طول تاریخ خود به دلایل متعدد از جمله انباشته تاریخی، وضعیت اقلیمی و موقعیت ژئوپلیتیک و مولفه‌های ضعیف فرهنگ سیاسی از جمله رویکرد عشیره‌ای و قبیله‌ای، عدم آگاهی‌های سیاسی، ثبات جویی، مسئولیت ناپذیری، بی اعتمادی سیاسی و نداشتن نگاه توسعه خواهانه نتوانسته مسیر توسعه پذیری اقتصادی و اجتماعی رادر جامعه تجربه کند و اساساً درباره آن آگاهی کافی و یا اتفاق نظر وجود نداشته، و همواره تضادهای جدی میان حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ وجود داشته است. استان لرستان مدت‌هاست بدلیل شکاف‌های محلی، منطقه ای، قومی و فرهنگی و فرهنگ سیاسی (محدود-تبعی) که بازتاب نظام سیاسی، فکری و عقیدتی و زندگی افراد است گرفتار فراگرد پر تلاطم تحولات توسعه‌ای است و به رغم داشتن همه شاخص‌های توسعه از قافله توسعه‌یافتگی جامانده است. در استان لرستان بدلیل اینکه گروه‌ها و نیروهای اجتماعی گوناگون هرگز نتوانستند منافع و علایق خود را از نظر سیاسی سازماندهی کنند و روش مسالمت آمیزی برای حل اختلافات و منازعات و دست به دست شدن قدرت سیاسی پیدا کنند و مجال مشارکت و رقابت سیاسی و مستمر و مسالمت آمیزی را فراهم کنند زمینه‌های توسعه اقتصادی فراهم نگردیده است. شاید یکی از مهم‌ترین مسائل چگونگی نحوه آغاز و ایجاد تحول فرهنگی و فکری در این زمینه است. باید بتوانیم پذیرای اندیشه‌های نو و تازه باشیم، این اندیشه‌های تازه، ظرفیت‌های تازه را مطرح می‌کند و فضای بیشتری برای اندیشه‌های نو، اقدامات نو و تازه فراهم می‌گردد (دیناروند، ۱۳۹۴: ۳). براساس مطالعات انجام شده عدم توسعه اقتصادی و اجتماعی در

استان لرستان عمدتاً بر ترتیبات ساختاری و نهادی دولت متمرکز شده اما واقعیت عینی و تاریخی عدم توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان در طول ادوار گذشته و عدم کامیابی آن، این فرض را به ذهن متبادر می‌سازد که ریشه قضیه را نباید در بعد ساختاری بلکه در لایه‌های ضعیف و عمیق‌تر فرهنگ سیاسی موجود جستجو کرد. جامعه‌ای می‌تواند توسعه پیدا کند که بتواند با اندیشه‌های زمان خودش زندگی کند... در بررسی پدیده‌ی توسعه نیافتگی اقتصادی استان لرستان بسیاری بر این عقیده‌اند که ریشه توسعه نیافتگی اقتصادی با فرهنگ سیاسی آنها مرتبط است. در استان لرستان و در بررسی‌های تاریخی جامعه خود، شاخص‌های فرهنگی مساعد توسعه و شاخص‌های ضد توسعه شناسایی نشده است. شکل و محتوای فرهنگ سیاسی لرستان هرگز نتوانسته لوازم، ملزومات و مقدمات توسعه را در گذر تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی فراهم یا همگام با آن حرکت کند و خود مانعی برای توسعه اقتصادی استان شده است. بنابراین آمادگی بسترهای تحول، لوازم ذهنی و درونی در سطح جامعه و ورود ارزش‌های نو و عناصر جدیدی به منظومه فکری در عرصه اجتماع و سیاست و افزایش سطح آگاهی که نشانگر تحول فرهنگ سیاسی مبتنی بر مشارکت و پیوست عقلانیت در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی لرستان است بیش از هر زمان دیگری ضرورتی انکارناپذیر است.

بدون تردید تبیین و ترسیم واقعیت‌ها و تحلیل‌های آسیب‌شناسانه، پیش‌شرط حصول اجماع برای انجام اصلاحات جاری است و متقابلاً چشم‌پوشی از واقعیت‌ها و بیان نکردن نابسامانی‌ها و تلخی‌های موجود، کارآمدی سیاست‌های اصلاحی را به شدت کاهش خواهد داد. اگر توسعه‌یافتگی اقتصادی را تحول فکری و ذهنی جامعه متناسب با دنیای پیچیده صنعتی، تامین رفاه سطح بالا همراه با محیط زیست سالم و پاکیزه، انباشت ذخایر علم و فناوری و استفاده کامل از آن در فرآیند و روش‌های تولید و تامین بهداشت روانی و اجتماعی بدانیم، ما در استان لرستان هنوز به این وضعیت نرسیده‌ایم و به دلیل همین فرهنگ سیاسی به رغم موقعیت سوق الجیشی خاص و وضعیت مهم جغرافیایی - اقتصادی و استقرار در میان هفت استان کشور و قرار گرفتن استان در کریدور شمال جنوب و ظرفیت‌های بالقوه و بالا در بخش‌های معدنی، صنعتی، کشاورزی و گردشگری در عرصه‌ی ملی در حال گذار از وضعیت سنتی به وضعیت توسعه‌یافتگی اقتصادی هستیم و سال‌هاست در این مرحله دچار سردرگمی شده ایم. و در صورت ادامه روند موجود و با توجه به برخی نتایج ناموفق به دست آمده و تبدیل آن به بیکارترین استان کشور با مسائل و چالش‌های بسیار بیشتری روبرو خواهد شد و در شرایط خطیر و حساس آینده همراه با اقتضائات و شرایط خاص پیش رو فرآیند باز تولید مدارهای عقب ماندگی و توسعه نیافتگی بیش از پیش تداوم خواهد داشت (عشری، ۱۳۹۴: ۳).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از آن که ادبیات و چارچوب نظری پژوهش تدوین شد و چارچوب پژوهش از نظر روش‌شناسی و متدولوژی تبیین شد، نوبت به آن است تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرد. تجزیه و تحلیل داده‌ها فرآیندی چندمرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که به طرق مختلف جمع‌آوری شده‌اند، خلاصه، دسته‌بندی و در نهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل و ارتباط بین داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این فرآیند داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از جنبه تجربی پالایش می‌شوند و فن‌های گوناگونی آماری نقش بسزایی در استنتاج و تعمیم به عهده دارند.

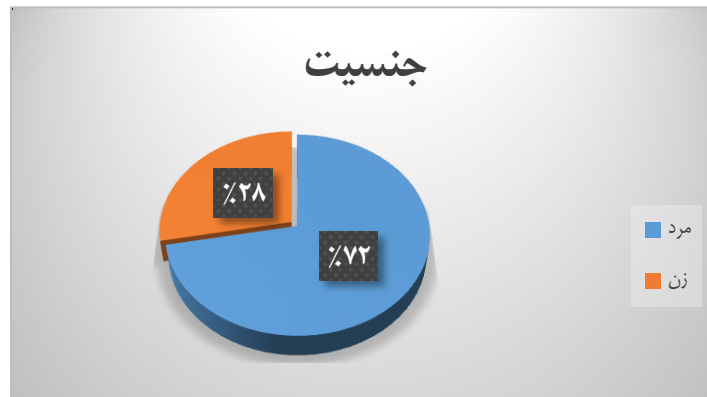
تحلیل یافته‌های جمعیت شناختی

بررسی حجم نمونه به تفکیک وضعیت جنسیت

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد فراوانی افراد نمونه آماری بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۲۷۸	۰/۷۲
زن	۱۰۶	۰/۲۸
مجموع کل	۳۸۴	۱

نمودار فراوانی جنسیت پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش به صورت نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. فراوانی جنسیت پاسخ‌دهندگان

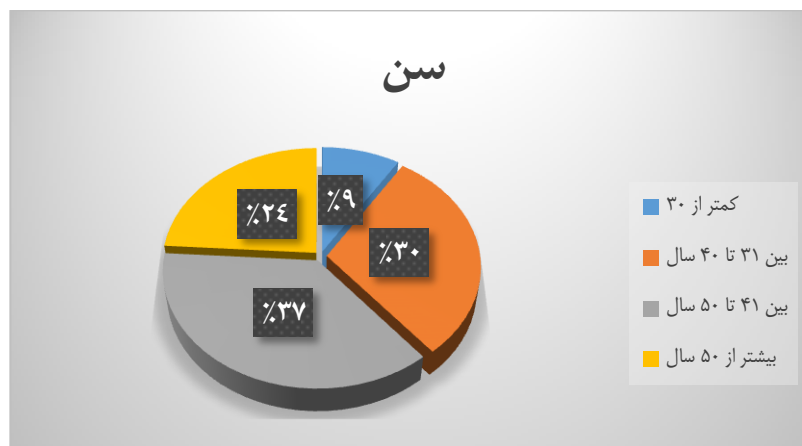
بر اساس جدول و نمودار (۱) کلیه پاسخگویان در این تحقیق ۳۸۴ نفر می‌باشند که از این تعداد، ۲۷۸ نفر (۰/۷۲ درصد) دارای جنسیت مرد و ۱۰۶ نفر (۰/۲۸ درصد) زن بوده‌اند.

بررسی حجم نمونه به تفکیک سن

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی افراد نمونه آماری بر اساس سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۳۰	۳۶	۰/۰۹
بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۱۱۲	۰/۳۰
بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۱۴۳	۰/۳۷
بیشتر از ۵۰ سال	۹۳	۰/۲۴
مجموع	۳۸۴	۱

نمودار فراوانی سن پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش به صورت نمودار ۲ نشان داده شده است.



نمودار ۲. فراوانی وضعیت سن پاسخ‌دهندگان

طبق نمودار و جدول (۲) مشاهده می‌شود که از ۳۸۴ نفر پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه پژوهش ۳۶ نفر (۰/۰۹ درصد) کمتر از ۳۰ سال، ۱۱۲ نفر (۰/۳۰ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۹۳ نفر (۰/۲۴ درصد) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۴۳ نفر (۰/۳۷ درصد) بیشتر از ۵۰ سال بوده‌اند.

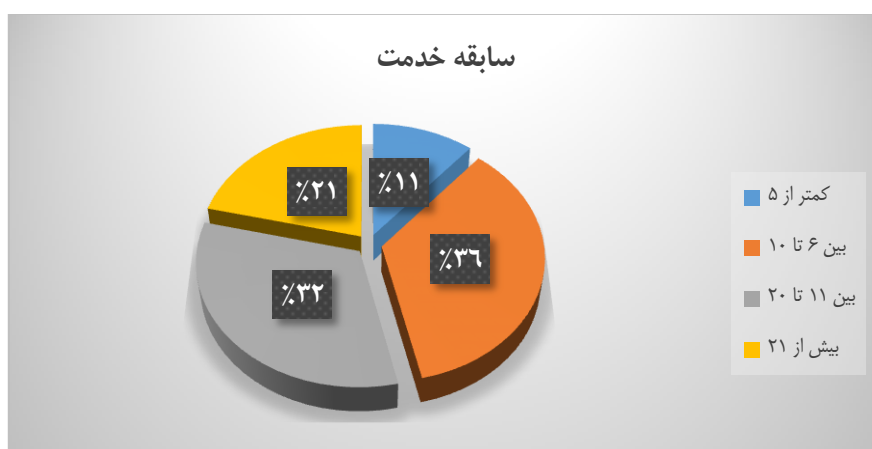
بررسی حجم نمونه به تفکیک سابقه خدمت

جدول فراوانی سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش به صورت جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی افراد نمونه آماری بر اساس سابقه خدمت

سن	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۵	۴۲	۰/۱۱
بین ۶ تا ۱۰	۱۳۶	۰/۳۵
بین ۱۱ تا ۲۰	۱۲۳	۰/۳۲
بیش از ۲۱	۸۳	۰/۲۱
مجموع کل	۳۸۴	۱

نمودار فراوانی سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش به صورت نمودار ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳. نمودار فراوانی سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان

طبق نمودار و جدول ۳ مشاهده می‌شود که از ۳۸۴ نفر پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه پژوهش، سابقه خدمت افراد کمتر از ۵ سال ۴۲ نفر (۱۱ درصد)، بین ۶ تا ۱۰ سال ۱۳۶ نفر (۳۵ درصد)، بین ۱۱ تا ۲۰ سال ۱۲۳ نفر (۳۲ درصد)، و سابقه خدمت بالای ۲۱ سال ۸۳ نفر (۲۱ درصد) بوده‌اند.

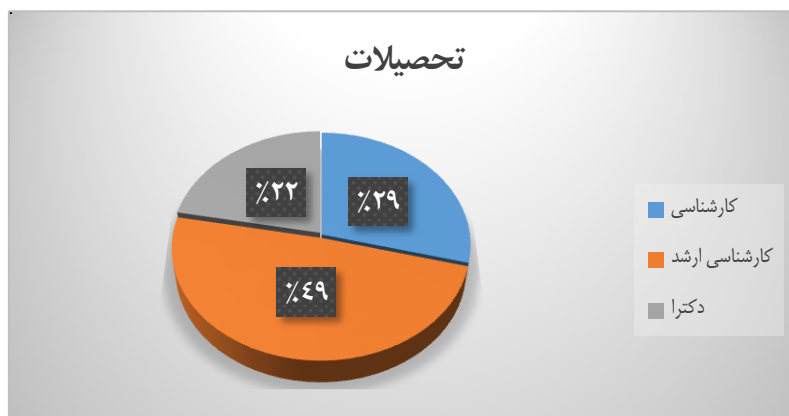
بررسی حجم نمونه به تفکیک میزان تحصیلات

تحصیلات پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش به صورت جدول ۴-۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد فراوانی افراد نمونه آماری بر اساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۱۱۳	۰/۲۹
کارشناسی ارشد	۱۸۹	۰/۴۹
دکتر	۸۲	۰/۲۲
مجموع کل	۳۸۴	۱

نمودار فراوانی مرتبط با تحصیلات پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش به صورت نمودار ۴ نشان داده شده است.



نمودار ۴. فراوانی وضعیت تحصیلات پاسخ‌دهندگان

طبق نمودار و جدول ۴ مشاهده می‌شود که از ۳۸۴ نفر پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه ۱۱۳ نفر (۲۹/۰ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۸۹ نفر (۴۹/۰ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۸۲ نفر (۲۲/۰ درصد) دارای تحصیلات دکتری هستند.

برازش مدل مفهومی پژوهش

همان‌گونه که در فصل سوم این پژوهش شرح داده شده برازش مدل مفهومی در سه سطح برازش مدل اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که در ادامه به محاسبه و بررسی معیارهای مرتبط با هر سطح پرداخته شده است.

برازش مدل اندازه‌گیری

در این تحقیق ابتدا قابلیت اطمینان (پایایی) برای شاخص‌های هر سازه (قابلیت اطمینان سازگاری درونی) بررسی می‌شود. برای روایی هر سازه از روایی واگرا و روایی همگرا^۱ استفاده شده است. برای قابلیت اطمینان (پایایی) سازگاری درونی از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و قابلیت اطمینان سازه (پایایی ترکیبی)^۲ برای مناسب بودن مدل اندازه‌گیری استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده بیشتر از ۰/۷۰ می‌باشد و بر اساس نظر نونالی و برنستین^۳ (۱۹۹۴) نشان‌دهنده سازگاری درونی بالا می‌باشد. همچنین قابلیت اطمینان سازه (پایایی ترکیبی) به دست آمده که بیشتر از ۰/۷۰ می‌باشد و بر اساس نظر فورنل و لارکر^۴ (۱۹۸۱) از پایایی مناسبی برخوردار می‌باشد. همچنین بارهای عاملی^۵ برای متغیرها و ابعاد آن‌ها بیشتر از ۰/۴۰ بود که بر اساس نظر هیر و همکاران^۶ از نظر آماری معنی‌دار (قابل قبول) هستند. در این تحقیق برای سنجش روایی همگرا از میانگین واریانس استخراج شده^۷ (AVE) استفاده شد.

تعیین روایی

برای تعیین روایی پژوهش از روایی همگرا و روایی واگرا در این پژوهش استفاده شده است.

روایی همگرا

برای تعیین روایی سازه پژوهش از روایی همگرا در این پژوهش استفاده شده است.

در ارزیابی معیار فرنل - لارکر از ریشه مربع AVE‌های استفاده می‌شود. نتایج بررسی روایی واگرا بر اساس هر دو روش در جدول ۹ و ۶ نشان داده شده است.

^۱ convergent validity and discriminant validity

^۲ composite reliability

^۳ Nunnally and Bernstein

^۴ Fornell and Larcker

^۵ loadings

^۶ Hair et al

^۷ Average Variance Extracted

جدول ۵. نتایج روایی و پایایی

متغیر	AVE	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
فرهنگ سیاسی	۰/۷۷۸	۰/۹۰	۰/۹۳
توسعه منطقه‌ای	۰/۷۶۹	۰/۸۸	۰/۹۱
رشد اقتصادی	۰/۷۷۱	۰/۹۰	۰/۹۰
رفاه اقتصادی	۰/۷۶۵	۰/۸۶	۰/۹۳
عدالت اقتصادی	۰/۷۷۰	۰/۸۹	۰/۸۹
نوسازی اقتصادی	۰/۸۲۴	۰/۸۹	۰/۹۳
توسعه اقتصادی	۰/۷۹۸	۰/۸۷	۰/۹۲

روایی واگرا

برای بررسی روایی واگرا (اعتبار تشخیصی)^۱ از شاخص فورنل و لارکر^۲ استفاده شده که به صورت جدول نشان داده شده است.

جدول ۶. روایی واگرا با روش فورنل - لارکر

فرهنگ سیاسی	توسعه اقتصادی
۰/۷۸۳	
۰/۳۸۴۳	۰/۹۹۸

در ارزیابی معیار فرنل - لارکر از ریشه مربع AVE‌های استفاده می‌شود. با توجه به این که تمام متغیرهای در این تحقیق در هر دو روش بارهای عاملی متقاطع و معیار فرنل - لارکر، اعتبار واگرا (اعتبار تشخیصی) سازه‌ها را تأیید کردند، در نتیجه، مدل اندازه‌گیری در این تحقیق قابل اعتماد و معتبر می‌باشد.

برآزش مدل ساختاری

در این مطالعه برای بررسی مدل پیشنهادی از تجزیه و تحلیل PLS استفاده شده است. نتایج اثرات مستقیم (تخمین PLS) در شکل ۲ ارائه شده است. در این شکل واریانس، معنی‌داری آماری و ضریب مسیر مشخص شده است. علاوه بر این مقدار R² در نظر گرفته شده برای سازه‌های درونی^۳ به عنوان شاخصی برای قدرت پیش‌بینی مدل ارائه شده است.

معیار R²

برای بررسی برآزش مدل ساختاری با روش PLS در این مطالعه از ضرایب R² (R Squares) و معیار Q² استفاده شده است. R² معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. Q² معیاری است که توسط استون و گیزر (۱۹۷۵) معرفی شد و قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. مقادیر R² در جدول ۴-۷ ارائه شده است.

جدول ۷. مقادیر R²

متغیرهای پژوهش	مقادیر R ²
توسعه اقتصادی	۰/۳۶۳

¹ Discriminant Validity

² Fornell-Larcker Criterion

³ endogenous constructs

با توجه به مقادیر R^2 مشخص شد که مدل ساختاری از برازش و قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار است.

معیار Q2

مقادیر Q2 به صورت جدول ۸ نشان داده شده است.

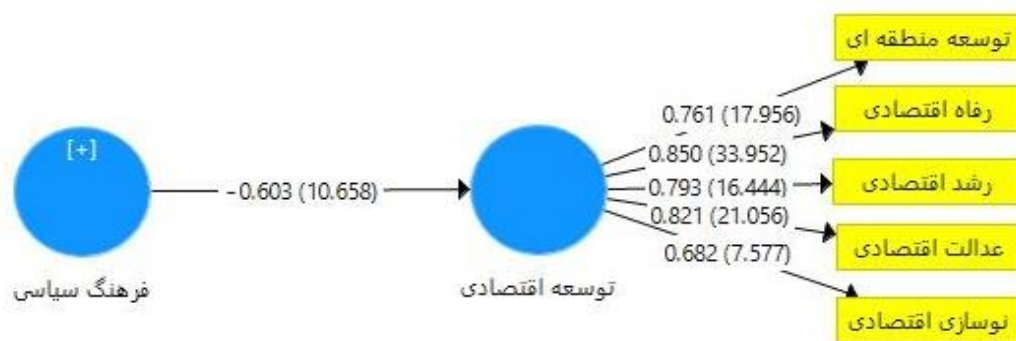
جدول ۸. معیار Q2

متغیرهای پژوهش	مقادیر Q2
توسعه اقتصادی	۰/۴۳۵

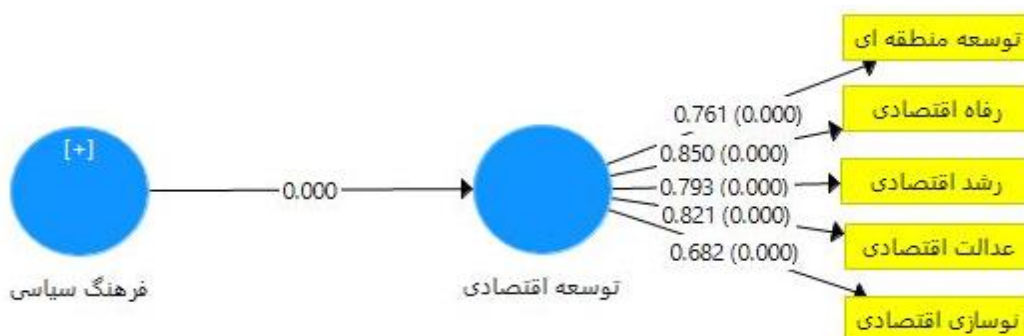
با توجه به جدول ۷ و جدول ۸ و مقادیر به دست آمده برای معیار R^2 و Q2 مشخص شد که مدل ساختاری از برازش و قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار است.

بررسی مدل مفهومی تحقیق و آزمون فرضیه‌ها

مدل پژوهش و آزمون فرضیات با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به شرح زیر است.



نمودار ۵. مدل ترسیم‌شده همراه با ضریب مسیر و مقادیر آماره T برای فرضیه‌های تحقیق



نمودار ۶. مدل ترسیم‌شده همراه با مقادیر P-value بار عاملی و ضرایب T مسیرها

برازش کلی مدل

شاخص GOF در مدل PLS راه‌حلی برای بررسی برازش کلی مدل بوده و بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. این شاخص توانایی پیش‌بینی کلی مدل را بررسی می‌کند و اینکه آیا مدل آزمایش‌شده در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا موفق بوده است یا خیر. برای بررسی برازش کلی از معیار GOF استفاده می‌شود که $GOF = 0/1$ میزان کم، $GOF = 0/25$ مقدار متوسط و مقدار بزرگ $GOF = 0/36$ برای سنجش اعتبار مدل‌های PLS به کار می‌رود (وتزلز، اسپرودر و ون اپن، ۲۰۰۹).

نتایج برازش کلی مدل در جدول ۹ ارائه شده است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\text{Avg (Gommunalities)} \times \text{Avg (R2)}}$$

با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰/۷۷۸ برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می شود. علاوه بر این با توجه به جدول بالا ضرایب R2 معیاری برای بررسی برازش مدل ساختاری محسوب می شوند. ضرایب R2 مربوط به متغیرهای پنهان درون زای (وابسته) مدل است که با توجه به نتایج به دست آمده، مقادیر R2 مطلوب است. خلاصه نتایج مربوط به آزمون فرضیه ها در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۹. شاخص های کلی برازش مدل

متغیر پنهان	Communalities	R2
فرهنگ سیاسی	۰/۷۷۸	-
توسعه اقتصادی	۰/۸۰۵	۰/۷۹۸
میانگین	۰/۷۹۱	۰/۷۹۸
GOF	۰/۷۰۹	

نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش

در این قسمت نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش تشریح گردیده است. فرضیه اصلی: موانع توسعه اقتصادی استان با شناسه های فرهنگ سیاسی موجود بی ارتباط نیست و فرهنگ سیاسی موجود (محدود - تبعی) بیشترین تأثیر را در روند توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است.

نتایج حاصل از تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی

نتایج حاصل از این فرضیه به صورت جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۴-۱۰. نتایج حاصل از تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه اقتصادی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره T	ضریب مسیر	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرهنگ سیاسی	توسعه اقتصادی و اجتماعی	۱۰/۶۵۸	-۰/۶۰۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

نتایج مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Smart PLS نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه ی تحقیق تأیید می شود. فرهنگ سیاسی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۶۰۳- تأثیر منفی و معناداری دارد. در این پژوهش پاسخنامه ۳۸۴ نفر که شامل اساتید و صاحب نظران سیاسی، اقتصادی، نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، مدیران ارشد دستگاه های اجرایی و کارشناسان امر توسعه بودند، مورد بررسی قرار گرفت. فراوانی و درصد فراوانی ویژگی های جمعیت شناختی جنسیت، سابقه خدمت، سن و میزان تحصیلات گزارش شد. طبق نتایج در این پژوهش بی شتر مشتریان شرکت کننده دارای جنسیت مرد بوده و دارای سن بین ۴۱ تا ۵۰ سال، سابقه کاری ۱۱ تا ۲۰ سال و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بودند. در این پژوهش، تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان لرستان مورد بررسی قرار گرفت. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بی فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و فرهنگ سیاسی موجود (محدود - تبعی) بیشترین تأثیر را در روند توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های حاصل از این پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:

یافته های حاصل فرضیه اصلی

موانع توسعه اقتصادی و اجتماعی استان با شناسه های فرهنگ سیاسی موجود بی ارتباط نیست و فرهنگ سیاسی موجود (محدود - تبعی) بیشترین تأثیر را در روند توسعه نیافتگی اقتصادی استان لرستان داشته است. نتایج این پژوهش بر اساس نتایج مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Smart PLS نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه تأیید شده و موانع توسعه اقتصادی استان با شناسه های فرهنگ سیاسی موجود بی ارتباط نیست و فرهنگ سیاسی موجود (محدود - تبعی) بیشترین تأثیر را در روند توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی استان لرستان داشته است.

این نتیجه، مؤید آن است که الگوهای رفتاری، نگرشی و ارزشی مرتبط با سیاست در جامعه، در صورت غیرمشارکتی بودن یا مبتنی بر بی‌اعتمادی و سیاست‌گریزی، می‌توانند مانعی در برابر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار باشند. چنین یافته‌ای با رویکردهای نهادگرایانه هم‌راستا است که فرهنگ سیاسی را به عنوان یکی از بنیان‌های شکل‌گیری نهادهای اقتصادی و کارآمدی ساختارهای توسعه‌ای معرفی می‌کنند. به عبارتی دیگر، ضعف در فرهنگ سیاسی می‌تواند به شکل‌گیری نهادهای ضعیف، ناکارآمد یا غیرپاسخ‌گو منجر شود و مسیر توسعه را مختل سازد در استان لرستان بدلیل خلاء ایستارها، اطلاعات، مهارت‌ها و رویکردهای سیاسی منفعل و ضعیف مردم، بستر فرهنگی مناسبی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم نشده است و اساساً مردم این استان نتوانسته‌اند با طرز تلقی‌های توسعه‌خواهانه و وارد کردن بنیادهای جدید فرهنگی و آموزشی و تغییر الگوهای رفتاری و فرهنگی آمادگی لازم را جهت ایجاد تغییر و تحول عقلانی در مسیر توسعه اقتصادی بدست آورند. این امر پیوند میان فرهنگ سیاسی، توسعه اقتصادی و پیامدهای آن را در استان لرستان نشان می‌دهد. عامل مهمی که در تبیین توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی، کمتر به آن توجه شده است.

محدودیت‌های پژوهش

در انجام هر پژوهشی، عواملی وجود دارند که خارج از حیطه کنترل محقق می‌باشند و بر یافته‌های پژوهش تأثیر می‌گذارند؛ از آن جمله می‌توان به این موارد ذیل اشاره نمود:

- یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، ماهیت نگرشی و ادراکی متغیر "فرهنگ سیاسی" است که اندازه‌گیری آن عمدتاً بر اساس ابزارهای خوداظهاری (پرسش‌نامه) صورت گرفته و ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان یا شرایط محیطی قرار گیرد. این امر می‌تواند بر دقت نتایج اثر بگذارد.
- همچنین، تمرکز پژوهش صرفاً بر استان لرستان و شرایط خاص فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌ها به دیگر استان‌ها یا مناطق کشور را محدود سازد.
- از سوی دیگر، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نیازمند حجم نمونه قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان با درک کافی از مفاهیم سیاسی و اقتصادی است، که در برخی مناطق با سطح پایین‌تر سواد سیاسی ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد.

پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده

- با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی در مطالعات خود از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) استفاده کنند تا از طریق مصاحبه‌های عمیق و گروه‌های متمرکز، ابعاد پنهان‌تر فرهنگ سیاسی و تأثیرات آن بر توسعه اقتصادی و اجتماعی را بهتر شناسایی نمایند.
- همچنین مقایسه تطبیقی بین چند استان با سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی می‌تواند به درک دقیق‌تری از نقش فرهنگ سیاسی در فرآیند توسعه کمک کند. بهره‌گیری از داده‌های ثانویه، گزارش‌های رسمی و شاخص‌های عینی نیز می‌تواند در کنار داده‌های پرسشنامه‌ای، به افزایش روایی نتایج منجر شود.
- در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی سایر ابعاد فرهنگ سیاسی همچون اعتماد نهادی، مشارکت سیاسی واقعی و گرایش به گفت‌وگوی مدنی بپردازند و رابطه آن‌ها را با شاخص‌های گوناگون توسعه از جمله کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، و سرمایه‌گذاری بررسی نمایند.
- همچنین تحلیل روندی تغییرات فرهنگ سیاسی در بازه‌های زمانی مختلف، با تمرکز بر تحولات اجتماعی و سیاسی استان لرستان، می‌تواند به تولید دانش سیاست‌گذارانه‌ی دقیق‌تر در جهت توسعه پایدار منطقه کمک شایانی کند.

منابع

۱. احمدی، ف. (۱۳۹۳). شاخص‌های توسعه اقتصادی. نشریه اتاق بازرگانی (In Persian).
۲. ازکیا، م، غفاری، غ. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان (In Persian).
۳. اسماعیلی، ف. (۱۳۹۲). بازی اصحاب رسانه با لرستان توسعه‌نیافته. هفته‌نامه سیمره (In Persian).
۴. اشیری، س. (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی توسعه‌نیافتگی در استان لرستان. هفته‌نامه سیمره (In Persian).
۵. اشیری، س. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر توسعه‌نیافتگی استان لرستان. هفته‌نامه سیمره (In Persian).

۶. آزادبخت، ا. (۱۳۹۳). ضرورت توسعه در استان لرستان. هفته‌نامه بامداد لرستان (In Persian).
۷. بهرامی، ا. (۱۳۹۲). در جستجوی راز توسعه استان. هفته‌نامه افلاک (In Persian).
۸. پرهوده، ف.، رئوف‌کیش، ع. (۱۴۰۱). اخلاق کار و توسعه اقتصادی: تحقیقی درباره تئوری ماکس وبر (In Persian).
۹. پناهی، م. ح. (۱۳۹۳). توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (In Persian).
۱۰. پیسی، آ. (۱۳۷۴). تکنولوژی و فرهنگ (ب. شالگوئی، مترجم؛ چاپ دوم). تهران: نشر مرکز (In Persian).
۱۱. تودارو، م. (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم (غ. فرجامی، مترجم) (In Persian).
۱۲. توحیدفام، م. (۱۳۷۹). موانع فرهنگی توسعه در ایران بر اساس رهیافت‌های متفاوت توسعه. نشریه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (In Persian).
۱۳. جمشیدیه، غ.، نادى، ز. (۱۳۹۸). بررسی عقلانیت ارزش‌شناختی در اندیشه ماکس وبر (In Persian).
۱۴. حسونود، م. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی توسعه‌نیافتگی لرستان. هفته‌نامه افلاک لرستان (In Persian).
۱۵. خیری‌دوست، ز.، مومنی، ف.، نصیری، ب. (۱۴۰۰). ارتباط میان تغییرات فرهنگی و توسعه اقتصادی DOI: 10.22034/jcsc.2021.248372.2195 (In Persian).
۱۶. دادرس، ع. (۱۳۹۴). نقش فرهنگ بر توسعه اقتصادی (In Persian).
۱۷. دیناروند، ع. ر. (۱۳۹۴). فرهنگ و توسعه‌نیافتگی استان لرستان (In Persian).
۱۸. رضایی، ع. (۱۴۰۰). نقش فرهنگ در توسعه. صدای ملت لرستان (In Persian).
۱۹. رضا قلی، ع. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی خودکامگی. تهران: نشر نی (In Persian).
۲۰. زارعی، آ. (۱۳۸۸). تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران. تهران: انتشارات باز (In Persian).
۲۱. زرین‌قلم، ع. ح. (۱۳۹۲). فرهنگ و ارتباطات جمعی (In Persian).
۲۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان. (۱۴۰۳). گزارش آماری توسعه استان لرستان (In Persian).
۲۳. سریع‌القلم، م. (۱۳۷۸). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی (In Persian).
۲۴. سریع‌القلم، م. (۱۳۹۵). عقلانیت و توسعه‌یافتگی (In Persian).
۲۵. سلیمی‌فر، م. (۱۳۸۲). اقتصاد توسعه. تهران: انتشارات موحّد (In Persian).
۲۶. سیف‌زاده، س. ح. (۱۳۶۸). نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: سفیر (In Persian).
۲۷. شهرام‌نیا، ا. م.، مظفری، ف. (۱۳۹۲). صورت‌بندی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (In Persian).
۲۸. شهرام‌نیا، س. ا. م. (۱۳۸۵). جهانی شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نشر نگاه معاصر (In Persian).
۲۹. دینی، ع. (۱۳۹۰). تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه. کتاب توسعه، (۱) (In Persian).
۳۰. عظیمی، ح. (۱۳۹۰). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی (In Persian).
۳۱. عظیمی، ح. (۱۳۹۱). اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ. تهران: نشر نی (In Persian).
۳۲. غنیمتی، ح.، داداندیش، پ. (۱۴۰۰). عوامل فرهنگی و رابطه آن با الگوهای توسعه اقتصادی. راهبرد فرهنگ، ۵۶ DOI: 10.22034/rc.2021.248372.2195 (In Persian).
۳۳. عنبری، م. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ. تهران: سمت (In Persian).
۳۴. قوام، ع. ع. (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های توسعه سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (In Persian).
۳۵. گل‌محمدی، ا. (۱۳۸۶). درآمدی بر تبیین فرهنگ سیاست. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱(۲) (In Persian).
۳۶. لهسایی‌زاده، ع. ع. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور (In Persian).
۳۷. متوسلی، م. (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. تهران: سمت (In Persian).
۳۸. میرباقری هیر، م. ن.، سلاحورزی، م. (۱۳۹۵). موانع سرمایه‌گذاری در استان لرستان (In Persian).
۳۹. میر فردی، ا. (۱۴۰۲). اهمیت و جایگاه فرهنگ در توسعه اقتصادی، سپهر اقتصاد، شماره ۲۰ (In Persian).
۴۰. نراقی، ی. (۱۳۷۲). توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته. تهران: شرکت سهامی انتشار (In Persian).
۴۱. نظریور، م. ت. (۱۳۷۸). ارزش‌ها و توسعه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ (In Persian).
۴۲. وبر، م. (۱۳۷۱). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری (ع. م. انصاری، مترجم). تهران: سمت (In Persian).

۴۳. وبر، م. (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه؛ مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی (ع. منوچهری و ف. ترابی‌نژاد، مترجمان). تهران: سمت (In Persian).
44. Almond, G. A., & Verba, S. (1989). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Sage Publications. DOI: 10.1515/9781400874569
45. Almond, G. A., & Verba, S. (2015). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton University Press. DOI: 10.1515/9781400874569
46. Davarpanah, H. (2009). *English for the students of political science*. Tehran: Samt.
47. Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action* (Vol. 1) (T. McCarthy, Trans.). Boston: Beacon Press.
48. Hilhorst, D. (2003). *The real world of NGOs: Discourses, diversity and development*. Zed Books. DOI: 10.5040/9781350222274
49. Inglehart, R. F. (2017). Evolutionary modernization theory: Why people's motivations are changing. *Changing Societies & Personalities*, 1(2), 136–151. DOI: 10.15826/csp.2017.1.2.013
50. Lehman, D. (Ed.). (1979). *Development theory: Four critical studies*. London: Routledge.
51. Long, N. (1977). *An introduction to the sociology of rural development*. London: Tavistock.
52. Major, D. (2015). *Alternative to development*. Retrieved from <https://qspace.library.queensu.ca>
53. Myrdal, G. (1975). *Against the stream: Critical essays on economics*. London: The Macmillan Press LTD.
54. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press. DOI: 10.1017/CBO9780511808678